

با زنان برنده نتوبد

معصومه زارعی

اشاره:

این که می‌گویند آزادی، دموکراسی، تساوی زن و مرد و ... همه حقیقت نیست. واقعیت را باید در خودسوزی‌های زنان در فرقه رجوی یافت، در آموزش هرزگی و پرورش بی‌بند و باری فرخ رویارسای جستجو کرد و اگر شرح صدر وجود داشت، نگاهی هم به جشن هنر شیراز فرح انداخت. وقتی ایدئولوگ‌های فراماسونری نزدیک‌ترین راه به دروازه‌های ولنگاری غرب را در فریب زنان یافتند و کلوب روتاری، باشگاه‌های لاینیز و مجامع فراماسونری را به همکاری زنان فرستادند، رژیم پهلوی مجری سیاست‌های استعمار شد و زنانی را به خدمت گرفت؛ هر چند تک و توک، زنانی بودند چون «قره‌العین» سال‌ها پیش به استقبال بی‌حجابی و هرزگی مورد نظر غرب شتافته بودند. اگر اشتباه و عملکرد بعضی از این زنان را به حساب غفلت و غرض‌نورزی گذاشتی، قبول؛ هر چند راه حق و باطل را سال‌های سال است به ما آموخته‌اند، اما باور نکن که غرب و استعمار، حقوق و حضور واقعی زن مسلمان را می‌پذیرد و از آن واژه‌ای ندارد. نوشتار زیر نگاهی است بر نقش و کارکرد زن در پاره‌ای از جریان‌ها.

پلهایی بود تا زنان بتوانند برای ایجاد تغییر در آینده کشورهاشان از آن عبور کنند. ترویج کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان «CEDAW» یکی از سه سند جهانی است که در دستور کار این برنامه عملی جهانی قرار گرفت؛ سندهایی که به تعریف «برابری زن و مرد» مطابق با استانداردهای بین‌المللی می‌پردازد.

برابری زن و مرد اگرچه در نگاه فیلسوفانی چون افلاطون حمایت

نامید سازد؟
دسامبر ۲۰۰۳، واشنگتن میزبان رهبران زن احزاب سیاسی از ۲۷ کشور جهان بود. زمانی که طنین هر صدایی در خیابان‌های پر رفت و آمد واشنگتن با خش‌خش برگ‌های پاییزی، زیر پای رهگذران از زن و مرد گم می‌شد، مؤسسه ملی دموکراتیک، شعار جهانی خود را اعلام کرد: «با زنان برنده شوید؛ تقویت احزاب سیاسی»^۳؛ این کارگروه بین‌المللی به دنبال ایجاد

«در بد دوره‌ای هستیم؛ دوره‌ای که کیستی و پیستی انسان محل سؤال است و کیستی و هویت زنان نیز»^۱ شاید بیان سیر اصلاحات در جمع گروهی از زنان اصلاح‌طلب، ما را به فاز زمانی کنفرانس ۵۶۸ فرانسه برگرداند؛ کنفرانسی که موضوع مورد بررسی آن این سؤال بود: آیا زن انسان است یا خیر؟^۲ اما آیا می‌تواند مخاطب را از نتیجه خوشایند کنفرانس‌ها و سمینارهایی چون نشست بین‌المللی مؤسسه ملی دموکراتیک

می‌شد که خدا را به واسطه مرد آفریده شدنش سپاس می‌گفت،^۴ ولی در نگاه اندیشمندانی چون امام خمینی^۵ زن انسانی بزرگ است که مقام مربی جامعه، خاص اوست؛ کسی است که از دامن او انسان‌ها پیدا می‌شوند^۶ و مرد به معراج رهنمون می‌شود.^۶ زن در نگاه ناب و برخاسته از اسلام امام خمینی^۷ از نظر حقوق انسانی با مرد مساوی است؛ هر چند در یک سری از احکام متناسب خود، با مرد تفاوت دارد.^۷ از این دیدگاه، نگاه ارسطویی مبنی بر این‌که زن براساس طبیعت خود محکوم به اسارت بوده و سزاوار شرکت در کارهای عمومی نیست، جایگاهی ندارد. زن، شایسته شرکت در کارهای اجتماعی است؛ نه تنها پیروزی نهضت‌های انقلابی مرهون حضور زن‌هاست،^۸ بلکه اگر زن‌های شجاع و انسان‌ساز از ملت‌ها گرفته شوند، ملت‌ها به شکست و انحطاط کشیده می‌شوند.^۹

با نگاهی به نقش مؤثر زن در صحنه اجتماع مشرق زمین، ردپای زنان در خیزش‌ها و نهضت‌های دو بیست سال گذشته به خوبی پیداست. از همراهی زنان و شکستن قلیان‌ها در نهضت تنباکو و پیوستن به خیل سربازان میرزای شیرازی^{۱۰} تا حضور نقش آفرین بانوان در نهضت امام خمینی^{۱۱} و پیروزی انقلاب اسلامی، حضور مادران و زنان مسلمان در جنبش‌ها و مبارزات، منطبق شدن با الگویی به قدمت ۱۴۰۰ سال بود؛ طرحی از حضور و رویارویی در نظام اجتماعی که اولین مؤلفه‌ها و آموزه‌های آن عفت بود و وقار. نجابت و متانت در زنان مسلمان، عنصری روشن و بی‌بدیل است که درک آن نیاز به ورق زدن دفتر خاطرات مستشرقین و سفرنامه‌نویسان از ایران زمین نیست. «ویلست» در سفرنامه خود می‌نویسد: «نانجیبی و بی‌شرمی و بی‌اعتنایی به عفت و وقار، از نظر زنان ایرانی عملی مذموم و رفتاری ناشایست است. بدین لحاظ همان خانم زیبایی که در منزل با نمایش زیبایی‌های اندام و چهره خود مایه دلگرمی شوهر می‌شود،

در بیرون از منزل حتی گوشه چشمی هم به نامحرمان نشان نمی‌دهد. تا آن‌جا که در راه رفتن، صحبت کردن و نگاه هم ملاحظه عفت و نجابت خودش را دارد و هرگز به تنزل کردن از مقام قابل احترام خود بر نمی‌گردد.»^{۱۱} اولتاروس، یکی دیگر از زنان در سفرنامه خود، از پوشش بانوی مسلمان ایرانی و حساسیت او با نامحرمان گفته است^{۱۲} و کلودانه نیز در زندگی سفرنامه‌ای خود از آزادی زن مسلمان در پوشش حجاب پرده برمی‌دارد.

چادر، وقار و عفاف، سال‌هاست که نگاه جسور و ناآرام بیگانه را به خود مشغول داشته، سنگری که می‌تواند بهترین راه نفوذ لشکر فرامردن باشد. استاد رحیم‌پور ازغدی در این باره می‌گوید: «استعمار ایران کوشید تا با تشکیل انجمن‌ها و مجامع زنان که ریشه در جریان فراماسونری داشت، تحت عنوان دفاع از حقوق زن، به تدریج آموزش و پرورش و رسانه‌ها را با خود همراه ساخته و این فرهنگ را جا بیندازد که زن پیشرفته، زن برهنه غربی است و حجاب یعنی عقب افتادگی و محدودیت.»^{۱۳} تشکیل انجمن‌هایی نظیر «جمعیت نسوان وطن‌خواه» در دهه ۲۰ میلادی می‌توانست از منادیان ارزش‌های تمدن غرب پس از انقلاب مشروطه باشد. سخنرانی‌های هفتگی این انجمن‌ها با ارسال دو بیست - سیصد کارت دعوت، فراخوان حضور پرشور زنان در آن مقطع زمانی بود. برپایی و اجرای تئاتر و نمایشنامه توسط زنان ارمنی، از دیگر القائات تصویری و ملموس از فرهنگ زنان اروپایی بود؛ هر چند ظرافت‌های ایشان به منظور حساس نشدن مردم متدین، قالب تبلیغی عروسی نوکر و کلفت بانوی ماسونی می‌گرفت. تجلیل از ترقیات و اختراعات محیرالعقول اروپا، تشابه ظاهری زن ایرانی به زن غربی رهگذر ترقی ایران و ... از جمله محورهای مورد بحث سخنرانان و متصدیان فرهنگی این انجمن‌ها در اجتماعات زنان و دختران بود. گرداندگان اصلی

این جمعیت‌ها، عده‌ای از بانوان فرنگی مآب و تجددطلب با تحصیلات غربی بودند. اگرچه آن‌ها در راهبری جمعیت از افکار و ایده‌های همسران و افراد خانواده خود بهره‌مند بودند، اما هیچ کدام مانند «محترم اسکندری» نبودند؛



کسی که از همان اوآن کودکی به لحاظ فکری و عقیدتی کاملاً تحت تأثیر انجمن‌های فراماسونری بود و افتخار فرزند یکی از بنیانگذاران انجمن آدمیت را داشت. او از پیشتازان جنبش تجددطلبی نسوان در دهه ۲۰ بود. فرخ روپارسای از دیگر زنان پیشتاز عرصه تجدد و نوخواهی است. او در کنار تدریس در دبیرستان‌های دخترانه رژیم پهلوی، فعالیت‌های مخرب ژورنالیستی پدر و مادر را دنبال می‌کند. اگر پدر در نشریه «عصر جدید» سلسله مقالاتی را با عنوان «کمک به پیشرفت نسوان ایرانی، از طریق آشنایی با تمدن» تیر می‌زد و کشف حجاب و دفاع از حقوق زنان را ترویج می‌کرد، دختر در سایه تلاش‌های پدر و آرزوهای برآورده شده مادر با صدور کشف حجاب رضاخان، به ضرورت برابری حقوق اجتماعی و سیاسی زنان در روزنامه‌ها داد سخن می‌داد. فرخ منتسب به بهایی بودن و فرقه ازل، در اوج اعتراضات روحانیون و متدینین مذهبی، مقام وزارت آموزش و پرورش کابینه هویدا را تصاحب کرد و بر اساس طرح و برنامه‌ریزی حساب شده رژیم پهلوی و دست اندرکاران آمریکایی به یک وسیله تبلیغاتی مبدل شد. رسانه‌ها، تلویزیون، روزنامه‌ها و مطبوعات در این زمان وی را به عنوان نخستین زنی که بر مسند وزارت تکیه

زده است، سمبل و نماد دگرگونی‌های حاصل از انقلاب سفید معرفی نمودند و آن را سرآغاز تحولات بسیار عمیق در عرصه برابری زن و مرد نامیدند.^{۱۳} خرافه خواندن حجاب از سوی او در جمع معلمان و مدیران مدارس، تندروی‌ها و حمله آشکار او به دین و مذهب بود که الگوی عملی او در دیانت بهایی، قرآله‌العین نام داشت؛ زنی که اولین نمونه آزمایشی مکتب استعماری در کشف حجاب شد. زرین تاج قزوینی، مشهور به قرآله‌العین با اعلام رسمی نسخ اسلام، مبلغ دیانتی جدید شد. سخنوری و حسن بلاغت، جاذبه‌هایی بودند که بر ملاحظت و چهره زیبای او می‌افزودند. حضور او با موی افشان و لباس‌های رنگین در سخنرانی‌ها و روز عاشورا، به عروسک خیمه شب بازی می‌مانست که در جهت اهداف استعمارگر به خوبی کنترل می‌شد.

جذابیت رابطه دختر و پسر، مهم‌ترین ابزار تبلیغاتی تشکیلات بهایی است. بهره‌برداری از زنان و دختران زیبا با آرایش سر و رو و آوازخوانی در قبل از انقلاب، طعمه‌ای برای به دام انداختن جوانان بود؛ رابطه‌ای که می‌توانست در کارگاه‌های رایگان حرفه‌ای خیاطی و نجاری و یا در ضمن تدریس خصوصی از سوی معلمان بهایی - پس از انقلاب - شکل گیرد و با واژه‌هایی فریبا چون صلح، رسیدن به تساوی حقوق زنان و مردان و ... به حوزه‌های فکری و اعتقادی نفوذ کند. برنامه‌ای که از سال‌ها قبل طراحی شده بود. وزارت مستعمرات انگلیس در نامه‌ای به یکی از جاسوسان خود، پس از این که به برداشتن و تبلیغات علیه حجاب تشویق می‌کند، می‌گوید: «وظیفه مأموران ماست که جوانان را به عشق بازی و روابط جنسی نامشروع با زنان تشویق کنند و بدین وسیله فساد را در جوامع اسلامی گسترش دهند.»^{۱۴} اشاعه فساد و فحشا، اردوهای مختلط دانش آموزان، تأسیس زمین‌های ورزشی و سالن‌های نمایش ایران و ... از اقدامات فرخ روپارسای، یک بهایی نشسته بر مسند قدرت

فرح و در سایه برنامه‌هایی چون جشن هنر شیراز، ابتذال و هرزگی، رنگ و بویی متمدانه یافت.

«هنر برای هنر» ترویج و تبلیغ متصدیان فرهنگی دفتر فرح بود تا هنر و ادبیات ایران به عرصه ابتذال و انحراف کشیده شود؛ سرگرمی تازه‌ای برای جوانان و هنرمندان تا از کانال هنر و هرزگی، آنان را از صحنه فعالیت‌های اجتماعی دور کنند.

بود؛ کسی که مفتخر به دریافت نشان پیشاهنگی از سوی شاهنشاه آریامهر شد تا مقدمه ورود و پیشرفت او به باشگاه‌های «لانیز»، «کلوپ روتاری» و «انجمن تسلیح اخلاقی» وابسته به مجموعه‌های فراماسونری باشد.

علاوه بر زنانی که به عنوان کاندیداهای «کنگره آزاد زنان و آزاد مردان» به نمایندگی‌های مجلس می‌رسیدند و یا بر کرسی‌های سناتوری تکیه می‌زدند تا سهمی در اجرای نمایش «برابری زنان و مردان» داشته باشند، شاه‌دخت اشرف، ریاست هیئت نمایندگی ایران در سازمان ملل را بر عهده داشت و با اجرای بعضی برنامه‌ها مانند تشکیل کنفرانس جهانی حقوق بشر و کنفرانس بین‌المللی حقوق زن در تهران، سعی داشت تا کرسی ریاست سازمان ملل متحد را به عنوان یک زن متمدن ایرانی تصاحب کند.

اما عرصه فرهنگ پهلوی خود نیازمند ابزار دیگری بود. اواسط دهه ۴۰، کارگزاران و برنامه‌ریزان سیاست پهلوی به پر رنگ کردن نقش فرح پرداختند تا او را به عنوان شهبانوی روشنفکر و هنرپرور معرفی کنند. سرانجام به کوشش

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع معارف و آداب

سیمین بهیمانی که شعر «نغمه روسپی» طلیعه دیوان اوست، به دلیل «بی پروایی و جسارت خارج از عُرف و آداب زمانه در عرصه شعرهای عاشقانه و بیان عواطف زنانه، خیلی زود مورد توجه و حمایت برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران فرهنگ به اصطلاح تجدطلب دوره محمدرضا پهلوی قرار می‌گیرد»^{۱۵} و با عضویت و انتصاب در «کمیسیون شعر و ترانه» ظرفیت‌های لازم برای تزییق هرزگی به جامعه را در اختیار می‌گیرد.



وقتی صدای مطبوعات وابسته آن زمان به شکایت از این بی‌پروایی بلند می‌شود، سیمین در مصاحبه‌ای مطبوعاتی می‌گوید: «من ترانه‌سرایی را در مسیر انحطاط ارزیابی نمی‌کنم»^{۱۶}. حضور زنان به بهانه تساوی، نه تنها در عرصه فعالیت‌های فرهنگی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد، بلکه حضور در صحنه فعالیت‌های نظامی و حرکت‌های مسلحانه از دیگر اهداف هژمونی زن در پاره‌ای از این جریان‌هاست. «دهه ۷۰ میلادی خیابان‌های پاریس، نیویورک و لندن محل تجمع دخترانی بود که تصاویری از شکنجه‌های ساواک را در دست گرفته‌اند؛ نظیر این دختران در پایان دهه ۷۰ در خیابان‌های تهران و دیگر شهرها با اسلحه‌های کمری عملیات‌هایی را انجام می‌دادند که به «نبرد مسلحانه دلیران» علیه طاغوت معروف شده بود»^{۱۷}. مسئولیت این عملیات‌ها را گروهی بر عهده می‌گرفتند که بعدها «منافقین» نامیده شدند. پای بعضی از این دختران که به

تشکیلات سازمانی باز می‌شد، به اختلاف و جدایی همسر قبلی منجر می‌شد و وصال عاشقانه‌ای را با یکی از اعضای سازمان رقم می‌زد. گاهی این ازدواج‌های سازمانی به گونه‌ای توجیه می‌شد. حوری بازرگان، یکی از این دختران است. او وقتی در سال ۵۴ با مرتضی خاموشی - از اعضای تشکیلات - پیمان ازدواج بست، مطرح می‌کرد که او این اجازه را از طرف لطف الله داشته است به خصوص که او محکوم به زندان ابد شده بود.

پس از انقلاب، دختران پیش‌قراولان شرکت در عملیات‌های انتحاری علیه نظام اسلامی شدند. شهادت آیت الله دستغیب نمونه‌ای از این عملیات‌ها بود. در سال‌های حیات ایدئولوژیکی سازمان در خاک عراق، آموزش نظامی زنان به عنوان چریک‌های مبارزاتی در شهر نظامی «کمپ اشرف» دنبال شد. زنان منافق که در گذشته با زیبایی و جمال، عامل جذب مردان به گروه بوده‌اند و بدون توجه به نظارت شرع بر نوع پوشش و روابط، به بهانه کارهای گروهی، به تصاحب رهبران سازمان درمی‌آمدند، اکنون به یک کالای جنسی بدل شدند تا افسران عراقی در قبال پرداخت جیره و مواجب رهبران فرقه رجوی بی‌بهره نمانند.

پس از انقلاب، طلاق و به هم ریختن بنیان خانواده، خارج کردن رحم زنان با عمل جراحی، دیگر حلقه تکمیلی هژمونی زن در سازمان منافقین است. عقیم کردن حداقل ۱۵۰ نفر از زنان عضو، دنبال کردن شکلی دیگر از مبارزات ایدئولوژیکی است؛ عملیاتی موسوم به «قله آرمانی» که در آن آرمان‌های ملکه چشم سبز زنان منافق، یعنی مریم، آن را رهبری می‌کند تا همه هویت و شخصیت اعضا در راستای اهداف سازمان معنا شود.

زنان منافق که حتی در نوع پوشش، آزادی و انتخابی ندارند، در قله آرمانی سازمان باید از عشق، دوست داشتن و فرزند داشتن نهی شوند و در عین حال، مظاهر مجسم عزم و اراده برای برابری

و آزادی به حساب آیند. مریم رجوی در پیام‌های رسمی خود از حقوق زنان و کودکان یاد می‌کند و آن را لازمه‌های یک حکومت دموکراتیک می‌داند؛ «مبارزه برای برابری که در قانون بنیادگرایی است، لازمه برقراری و پیشرفت دموکراسی است. از این رو در شکست مقطعی بنیادگرایان، زنان نیروی تعیین کننده محسوب می‌شوند»^{۱۸}.

جایزه مبارزه برای برابری را خانم سیمین بهیمانی دریافت کرد. ژانویه ۲۰۰۹ پاریس میزبان زنانی بود که جایزه «سیمون دوبوار» را به نام «برای رهایی زنان» به نماینده کمپین «تغییر برای برابری» اهدا می‌کردند. این جایزه که به مناسبت صدمین سال تولد سیمون دوبوار - فیلسوف و نظریه‌پرداز فمینیست فرانسوی و نویسنده کتاب مشهور جنس دوم - به وجود آمد، به «اقدامات و کارهای استثنایی زنان و مردانی تعلق می‌گیرد که در راستای مبارزات دوبوار به احقاق حقوق زنان در جهان کمک کرده‌اند». کافه «دومگو»ی پاریس، جایی که پایگاه سیمون دوبوار، «ژان پل سارتر» و دیگر روشنفکران زمان آن‌ها بود، پذیرای دوبوار و جولیا کریستوا بود. کریستوا، نظریه‌پرداز فمینیست، کسی است که ریاست هیئت بین‌المللی داوری را به عهده داشت. وزیر فرهنگ و ارتباطات فرانسه، خانم «ماری الیابل» در این مراسم گفت: «ما تحت تأثیر جسارت زنان ایران قرار گرفته‌ایم و همواره از فعالیت زنان در ایران حمایت خواهیم کرد»^{۱۹}.

کمپین یک میلیون امضا با شعار تغییر برای برابری، طرحی اجتماعی است که شماری از فعالان حقوق زن در ایران از شهریور ۸۵ با مجریان آمریکایی طرح‌های برانداز نرم به راه انداختند و با کمک‌های مالی بعضی کشورهای خارجی حمایت می‌شد. هدف این جمع‌آوری دست کم یک میلیون امضاء در حمایت از رفع تبعیض‌های قانونی علیه زنان بود این کمپین بزرگ‌ترین ائتلاف را میان لیبرال‌ها، سکولارها،

لائیک‌ها و مدعیان اصلاح‌طلبی به وجود آورد. و پیوندی برای ارتباط براندازان با مدعیان اصلاح‌طلبی محسوب می‌شد.^{۲۱} جایزه سال گذشته دوبروار را تسلیمه نسرين، نویسنده بنگلادشی دریافت کرد. او نیز همچون سیمین، این جازه را به دلیل به خطر انداختن جان‌ش برای آزادی زنان می‌گرفت. سیمین که پس از پیروزی انقلاب به صف اول معترضان و مخالفان می‌پیوندد، می‌تواند یکی از پیاده نظام‌های نبرد فرهنگی باشد. باید تلاش کرد از او یک چهره مبارز فرهنگی ساخت و برای او سابقه مبارزاتی دست و پا کرد. مطبوعات، نشریات و مراکز فرهنگی داخل و خارج از کشور به پر رنگ کردن نقش سیمین پرداختند. هما سرشار - نویسنده یهودی صهیونیست و یکی از اعضاء هیئت امنای بنیاد مطالعات ایران - اولین مصاحبه مطبوعاتی سیمین را ترتیب می‌دهد و «ره آورد» مجله‌ای است که به انتشار این مصاحبه مفتخر می‌شود. حسن شهباز، روتارین معروف و جاسوس بازنشسته آمریکا، امتیاز این مجله را بر عهده دارد.^{۲۲} سیمین در برنامه‌های تدارکاتی اپوزیسیون سلطنت‌طلبان، شب شعرش را در مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه کالیفرنیا اجرا می‌کند. سیمین، فراریان ضد انقلاب را سرمایه‌های معنوی کشور می‌داند. در این همکاری دو سویه، رسانه‌های متعلق به ضد انقلاب بازتاب می‌دهند که: «در تاریک‌ترین شب‌های ستم، صدای سیمین، فواره روشن ایستادگی و مبارزه است.»^{۲۳} سیمین، «بزرگ بانوی شعر ایران» نام گرفت و رادیو اسرائیل چهار شب متوالی او را به پاس خدمت بزرگش ستود. چرا که در دعوت وزارت ارشاد برای شعر خوانی‌اش به مناسبت روز زن سال ۱۳۷۶، او بیانه‌ای ویژه در باب محرومیت و ستم‌دیدگی زن ایرانی قرائت کرد.

سیمین بهبهانی و شیرین عبادی - از دیگر حامیان کمپین - نماینده زنانی هستند با این اعتقاد که می‌توان بدون نظارت فقه و شریعت بر نظام خانواده و زنان رفتار کرد و با میل و سلیقه و

خارج از عرف جامعه، سر برهنه و بدون حجاب ظاهر شد.

شیرین عبادی، چون دیگر داعیان صلح سال‌های ۱۹۷۴، ۱۹۹۴ و ۲۰۰۲، پیام آور صلح جهانی ۲۰۰۳ میلادی شد. «فعالیت‌های خانم عبادی در زمینه حقوق بشر و ترویج دموکراسی در ایران، به ویژه حقوق زنان و کودکان، دلایلی بود که کمیته صلح نروژ باید به خاطر آن جایزه می‌داد.



شیرین عبادی

عبادی که خود را مدافع حقوق اقلیت‌هایی چون بهاییان می‌داند و به عنوان نماینده سازمان آمریکایی دیده‌بان حقوق بشر در ایران فعالیت می‌کند، در مصاحبه‌ای با اسوشیتدپرس گفته است: «معتقدم نظام را از درون می‌شود تغییر داد و نیازی به فشار از بیرون نیست.»^{۲۴} این جمله خانم عبادی وقتی معنا می‌یابد که مدیر رسمی رادیو سازمان سیا خواستار استفاده از قدرت نرم برای نفوذ و فشار از داخل برای مهار ایران شد.^{۲۵}

دیگر حلقه تکمیلی این پیکار، انتشار گزیده و ترجمه دو کتاب از جین شارب - پدر انقلاب‌های مخملی و نظریه‌پرداز کنش‌های غیر خشونت‌آمیز ناتو و سیا - و دستیارش رابرت. ل. حلوی بود که انتشارات روشنگران و مطالعات زنان آن را در یک مجله به نام «جامعه مدنی، مبارزه مدنی» روانه بازار کتاب کرد؛ کتابی که محصول مشترک «برنامه اقدامات غیر خشونت‌آمیز» در مرکز امور بین‌المللی دانشگاه هاروارد و سازمان سیا به شمار می‌رود.^{۲۶} شهلا لاهیجی، مسئول انتشارات

روشنگران از حامیان اولیه کمپین است؛ کسی که جایزه «آزادی نشر» را در سال ۸۵ از آن خود کرد. این اولین سالی بود که آزادی نشر به ناشری از خاورمیانه اهدا می‌شد؛ به گونه‌ای که همه ۸۶ کشور عضو اتحادیه بین‌المللی ناشران از میان پنج کاندیدای این جایزه، به لاهیجی رأی دادند. لاهیجی مهمان هر ساله نمایشگاه کتاب فرانکفورت نیز می‌باشد؛ نمایشگاهی که گفته می‌شود اتحادیه ناشران آلمان، به دلیل محکومیت سلمان رشدی و موضع ایران در برابر این نویسنده، خواستار عدم حضور ایران بودند. سال ۷۶، سال حضور دوباره ایران در این نمایشگاه بود. نمایشگاه کتاب فرانکفورت به عنوان مهم‌ترین روی داد فرهنگی جهان، هر ساله کشوری را به عنوان میهمان افتخاری می‌پذیرد و ملاک انتخاب این است که کشور مورد نظر، بیشترین آزادی را برای قلم خود اعمال کرده باشد و نویسندگانش از آزادی درخوری برخوردار باشند و در آن‌ها محدودیت و ممنوعیت نباشد؛ مثل آزادی نوشتن از مسئله هولوکاست و نسل‌کشی ارامنه در ترکیه و آزادی نویسندگان روشنفکری که باید این مسئله را به عنوان بخش تاریک تاریخ‌شان بپذیرند.



شهلا لاهیجی

اما حضور سیاسی بانوان با ورود فائزه هاشمی به گونه‌ای دیگر ورق می‌خورد؛ وقتی بحث دوچرخه‌سواری بانوان از سوی او، بحث جنجالی مجلس پنجم می‌شود. فائزه بحث از دوچرخه سواری را برنامه تبلیغاتی مخالفانش پیش

از انتخابات می‌داند. ولی در عین حال معتقد است: «اصلاً قانونی وجود ندارد که دو چرخه سواری خانم‌ها را ممنوع کرده باشد. من الان خیلی از خانم‌ها را می‌بینم که در خیابان‌ها سوار دوچرخه می‌شوند. این به فرهنگ جامعه برمی‌گردد و به شجاعت خانم‌ها»^{۲۷}

فائزه با دیدگاه‌های خاص خود در روزنامه‌ای که به مدیر مسئولی او اداره می‌شد، به انتشار تصاویر زنان ورزشکار پرداخت تا به قولی «مظلومیت رسانه‌ای این قشر را جبران کند». او بدون در نظر گرفتن فضای جامعه اسلامی معتقد است: «به عقیده من حجاب همچنان که در کشورهای اسلامی معمول است، باید در ایران اختیاری باشد، نه اجباری. و من در سفرهایم به الجزایر، مصر و مغرب، شاهد این مسئله بودم. این که زن مجبور به پوشیدن حجاب شود، این مسئله می‌تواند منجر به سرکشی بیشتر زن شود و زن را به جای این که به حجاب به عنوان پوشش شرعی پایبند کند، از حجاب متنفر می‌کند»^{۲۸}

پس از پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی، مجلس هشتم زنانی را از طیف اصلاح طلب، به نمایندگی ملت پذیرا شد. «مشارکت سیاسی زنان، ضامن تحقق دموکراسی» شعارهای بعضی از این گروه‌ها به مناسبت‌های مختلف درون حزبی بود.

تصویب کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان از موضوعات بحث برانگیز مجلس هشتم بود. مفاد کنوانسیون که «برابندی از ارزش‌ها و هنجارهای رایج جوامع غربی است و به منظور خط‌دهی و الگوگیری کشورهای جهان سوم گردآوری شده» از یک سو با مخالفت شدید مراجع عظام و برخی نهادهای علمی و جامعه مذهبی کشور مواجه شد و پیوستن جمهوری اسلامی ایران را به عنوان پرچمدار اصول‌گرایی اسلامی در جهان به این معاهده، نشانه وابستگی فرهنگی، ترلز ل بنیان خانواده، التزام به جهان‌بینی مادی غرب و پیگیری الگوی تشابه محور و ... دانستند و از طرفی دیگر الحاق به این معاهده از سوی برخی نمایندگان عضو فراکسیون زنان در مجلس ششم و بعضی دیگر از نمایندگان، دفاع و حمایت می‌شد

و پذیرفتن آن را زمینه‌ای برای حضور بین المللی و ایجاد فرصت‌های تازه برای حل معضلات زنان مطرح می‌کردند؛ حمایتی که حرمت الحاق به کنوانسیون را از سوی علما، نتیجه تفسیر بد و تند علیه کنوانسیون می‌دانستند. شاید بیان این دو دیدگاه در بحث از کنوانسیون شنیدنی باشد؛ خانم الهه کولایی، عضو شاخه مرکزی حزب مشارکت، نماینده مجلس و به عنوان موافق لایحه تصویب کنوانسیون گفت: «به نفع دولت و به معنی طرفداری از تبعیض علیه زنان است.» همچنین خانم مادلین آلبرایت، وزیر وقت خارجه آمریکا در نطق افتتاحیه پکن اعلام می‌کند: «کنوانسیون در جهت تعمیم و تعمیق سیاست‌ها و برنامه‌های آمریکا گام برمی‌دارد.»

اگرچه مادلین آلبرایت به صراحت از سیاست‌های استعماری آمریکایی می‌گوید، اما ایدئولوگ‌های غرب ترجیح می‌دهند تا اهداف استعماری خود را در پس واژه‌های زیبا و ویتترین‌های خوش آب و رنگ الفاظی چون: «تساوی زن و مرد»، «با زنان تا دموکراسی» و «با زنان برنده شوید»؛ پنهان کنند. دیگر نباید آشکار و به صراحت و صادقانه! ابراز عقیده کرد! این که کنفرانس ۵۶۸ میلادی فرانسه نتیجه بحث‌های فراوان خود را به صراحت اعلام کرد و گفت زن انسان است و فلسفه مستقل آفرینش او خدمت به مرد است، با زمانه امروزی همخوانی ندارد.

منابع:

۱. عباس ناظمی، تأملی بر مشارکت سیاسی اجتماعی زنان، رمز، چاپ اول، ۸۴.
۲. موسی نجفی، موسی فقیه حقانی، تاریخ تحولات سیاسی ایران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، چاپ سوم، تهران، ۸۳.
۳. محمود طلوعی، بازیگران عصر پهلوی، نشر علم، چاپ سوم، ۱۳۷۴، ج ۲.
۴. مهناز رثوفی، سایه شوم، کیهان، چاپ هفتم، ۸۷.
۵. عبدالرسول مهاجری، فمینیسم جهانی و چالش‌های پیش رو، بوستان کتاب قم، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۶. سایت دفتر مطالعات زنان.
۷. سایت خبرگزاری فارس.
۸. سایت مجاهدین.
۹. مصاحبه مهناز رثوفی با هفته نامه زن روز ۱۲

بهمن ۸۷، ش ۲۱۷۱.

۱۰. مصاحبه شهلا لاهیجی، سایت اعتماد.

۱۱. www.irwomen.com

۱۲. www.rfi.fr

۱۳. www.women.gov.ir

پی‌نوشت‌ها:

۱. سایت خبرگزاری فارس، دعوت گروهی از زنان اصلاح طلب از آقای خاتمی برای کاندیداتوری ریاست جمهوری دوره دهم.
۲. ناصر قربان‌نیا، نهضت دفاع از حقوق زنان، فصلنامه ریحانه، مرکز مشارکت زنان، سال اول، شماره ۱، ۱۳۸۱، ص ۴۳، به نقل از عباس فاطمی، تأملی بر مشارکت سیاسی اجتماعی زنان، نشر رمز، چاپ اول ۱۳۸۴.
۳. سایت زنان.
۴. ناصر قربان‌نیا، همان، ص ۴۳، به نقل از عباس فاطمی، تأملی بر مشارکت سیاسی اجتماعی زنان، ص ۸۶.
۵. زن انسان است. آن هم یک انسان بزرگ. زن مرئی جامعه است. از دامن زن، انسان‌ها پیدا می‌شوند. مرحله اول مرد و زن صحیح، از دامن زن است. تاریخ ۵۸۷/۲۳۶، تیبان (دفتر هشتم) جایگاه زن در اندیشه امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، چاپ هفتم، ۱۳۷۸، ص ۵۷.
۶. همان، صص ۵۸-۵۷.
۷. همان، ص ۱۶۹-۱۶۰-۵۶.
۸. www.Aftab.com
۱۱. نگاه کنید به میترامهرآبادی، زن ایرانی به روابط سفرنامه‌نویسان فرهنگی، نشر روزگار، ۱۳۷۹.
۱۲. سایت خبرگزاری رسا، رحیم پور ازغدی در همایش بزرگداشت قیام گورشاد.
۱۳. دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان، انتهای تاریکی، کیهان، چاپ سوم، ۱۳۸۷، ص ۹۸-۹۷.
۱۴. دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان، سایه روشن بهائیت، کیهان، چاپ سوم، ۱۳۸۷، صص ۱۵۰ و ۱۵۱.
۱۵. همان، نیمه پنهان، کیهان، چاپ چهارم، ۱۳۷۸، ج ۷، ص ۶۵.
۱۶. نیمه پنهان، ج ۷، ص ۷۹.
۱۷. حسن طاهری، کنیزکان سازمانی، فصلنامه فرهنگ پویا، پیش شماره ۸، ص ۸۰.
۱۸. سایت انجمن نجات.
۱۹. سایت زمانه.
۲۰. کیهان، ۱۴ اسفند ۱۳۸۵.
۲۱. همان.
۲۲. نیمه پنهان، ج ۷، ص ۷۹.
۲۳. همان، ص ۸۱.
۲۴. ماهنامه ميثاق، ش ۳۸، ص ۱۱.
۲۵. سایت بصیرت به نقل از اخبار و تحلیل‌ها از نشریه داخلی معاونت سیاسی سپاه.
۲۶. پیام فضلی‌نژاد، سئوالیه‌های ناتوی فرهنگی، کیهان، چاپ ششم، ۱۳۸۷، صص ۲۱-۲۰.
۲۷. مصاحبه فائزه هاشمی با روزنامه زن، ۲۲ اردیبهشت ۷۷، به نقل از سایت شیرزنان.
۲۸. مصاحبه فائزه هاشمی با پایگاه اینترنتی الشروق الجزایر به نقل از سایت القدس و سایت Iranmalaysia